سایت پیرسنتر (1/6/2020)

**نظرات کارشناسان روس و آمریکایی در مورد اهمیت و آتیه پیمان استارت نو**

نویسنده: سرگئی سمنوف و نیکیتا دگتیاروف

**آ. گ. آرباتوف، عضو فرهنگستان علوم روسیه، رئیس مرکز امنیت بین الملل انستیتو اقتصاد بین الملل و روابط بین الملل فرهنگستان علوم روسیه موسوم به پریماکوف**

پیمان استارت نو گامی مهم و مفید در مسیر پنجاه ساله محدودیت و کاهش سلاح های تهاجمی استراتژیک بود. این قرارداد موجب كاهش هر چه بیشتر تسلیحات اعم از حاملهای کلاهکها و خود كلاهكها به سطح بسیار پایینی شد. این سطح از کاهش از زمان توافق نامه موقت سالت 1 در سال 1972 بیسابقه بوده است. در مقایسه با سال 1991 که تعداد تسلیحات راهبردی در اوج بود تعداد کلاهکها تقریبا به یک ششم رسیده است و تعداد حامل ها تقریبا به یک سوم رسیده است. در همین مدت، بر طبق اصول ثبات استراتژیک که در سال 1990 از سوی دو طرف به توافق رسید نسبت تعداد کلاهک ها به حامل ها از "پنج به یک" به "دو به یک" تغییر یافت. تسلیحات بقای بسیار بالا در آن زمان 30 تا40 درصد نیروهای استراتژیک روسیه و ایالات متحده را تشکیل می داد و در حال حاضر 60 تا 70 درصد می باشد. این پیمان امکان، و در نتیجه انگیزه، نخستین حمله هسته ای عظیم از هر دو طرف را به طور مؤثری از بین برد. مطلب دیگری که به همان اندازه مهم است این است که پیمان استارت نو به لطف رژیم راستی آزمایی و اقدامات اعتماد ساز، توانست درجه بالایی از قابلیت پیش بینی، شفافیت و تعامل کاری در روابط استراتژیک دو قدرت را تضمین کند.

در عین حال نمی توان برخی از کاستی های پیمان را نادیده گرفت. مهمترین کاستی این است که این پیمان گویی تحت تاثیر یک نیروی اینرسی شکل گرفته است که بجای اینکه به قلب مشکل بزند روند را به سادگی در مسیر کاهش حاشیه ای متوالی حامل ها و کلاهک ها هدایت کرده است (استارت 2در سال 1993، توافق نامه چارچوبی استارت سه در سال 1997، SORT در سال 2002، و استارت نو در سال 2010). دستورالعمل ضعیفی که برای شمارش کاهشها در چارچوب استارت نو تدوین شد تجلی این اینرسی است (به عنوان مثال، بمب افکن های سنگین از لیست سلاحهایی که باید کاهش یابند حذف شدند). تسلیحات غیر هسته ای بسیار دقیق که بی ثبات کننده هستند نادیده گرفته شدند (از جمله سیستم های مافوق صوت، اتوماتیک، ضد موشکی و ضد ماهواره و غیره).

اما همه اینها لزوم تمدید پیمان استارت نو را منتفی نمی کند. این یک قرارداد ایده آل برای همه زمان ها نیست اما بهتر از هیچی است. حفظ آن، حداقل برای چند سال، فرصتی را برای انعقاد توافق بعدی فراهم می آورد که کاستی های فعلی را برطرف می کند و مشکلاتی را که در طی 10 سال توقف روند محدودیت سلاح های استراتژیک انباشته شده اند برطرف می کند.

**توماس کانتریمان، رئیس شورای اتحادیه کنترل تسلیحات، معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده در امور امنیت بین المللی (2016-2017)**

ایده تمدید پیمان استارت نو از حمایت گسترده ای در کنگره و سازمانهای ذیربط برخوردار است. علاوه بر این، عموم مردم نیز به شدت از تمدید آن حمایت می کنند. در شرایط فعلی روابط روسیه و آمریکا، این تنها اقدام عمده سیاست خارجی است که ترامپ می تواند در حوزه روسیه انجام دهد و تأیید اکثریت رهبران هر دو حزب جمهوری خواه و دمکرات را نیز بدست آورد. در عین حال یک جریان ایدئولوژیک قوی وجود دارد (که چهرههای شاخص آن جان بولتون و سناتور تام کاتن می باشند) که با هر تهدید موجود یا بالقوه مخالفت می کنند و همچنان بر طرز فکر رئیس جمهور ترامپ تأثیر می گذارند.

مسکو تمایل خود را برای تمدید اعلام کرده است. نیازی به اقدامات اضافی از جانب روسیه نیست وگرنه در ذهن برخی از افراد در واشنگتن این تصور غلط تقویت می شود که کش دادن تصمیم گیری در مورد تمدید، فرصتی فراهم می آورد که بر روسیه فشار وارد کرد. بجای این کار، مسکو باید از طریق مجاری محرمانه دیپلماتیک پیشنهادی مبنی بر صدور یک اعلامیه سیاسی همراه با تمدید پیمان، بفرستد که در آن دو رئیس جمهور آمادگی خود را برای کاهش بیشتر زرادخانه های هسته ای و پیوستن سایر قدرتهای هسته ای به این روند اعلام می کنند. چنین اعلامیه ای به ترامپ امکان خواهد داد تا به هدف اصلی سیاسی خود برسد: اینكه اعلام كند كه وی قادر به "بهبود" توافق منعقد شده توسط پرزیدنت اوباما است.

**ویلیام پاتر، مدیر مرکز مطالعه مشکلات عدم اشاعه جیمز مارتین، عضو شورای کارشناسان مرکز PIR**

ده سال پیش، انعقاد پیمان استارت نو تبدیل به یک رویداد مهم سیاسی و راهبردی نظامی، شد. از دیدگاه سیاسی، این پیمان نشان داد که هر دو طرف ارزش همکاری با یکدیگر را برای دستیابی به هدفی مشترک، یعنی تقویت ثبات استراتژیک با زرادخانه های هسته ای کوچکتر، درک می کنند. در همین رابطه استارت نو برای سایر كشورها روشن كرده است كه مسكو و واشنگتن نسبت به تعهدات خود بر طبق ماده ششم ان پی تی جدی عمل می كنند. از نظر نظامی هر دو طرف پیروز شدند زیرا پیمان استارت قابلیت پیش بینی دکترین های هسته ای را بیشتر می کرد و بدین ترتیب انگیزه ها را برای یک مسابقه تسلیحاتی نامحدود، کاهش می داد. البته استارت نو ناقص است اما هیچ قرارداد کاملی وجود ندارد و "بهتر" نباید دشمن "خوب" باشد.

متأسفانه به دلیل عدم تمایل ایالات متحده به کنترل ضروری تسلیحات، چشم اندازهای تمدید پیمان استارت نو همچنان در هاله ای از ابهام است. اگرچه جان بولتون که منتقد اصلی پیمان بود كاخ سفید را ترك كرده است اما فلسفه ای كه وی نماد آن بود، هنوز در آنجا حاكم است. در واقع، دولت فعلی وضعیتی را که در آن ایالات متحده کاملا از کنترل تسلیحات رها باشد به وضعیتی که در آن آمریکا به لطف پذیرش برخی محدودیت ها، بردهای امنیتی زیادی کسب کند ترجیح می دهد. به نظر من، اصرار آمریکا بر توافق نامه ای سه جانبه با حضور چین پوششی بد برای تلاشی است که آنها جهت منحرف کردن توجهات از تنها راه ممکن پیش رو در این مرحله دیرهنگام، انجام می دهند: تمدید استارت نو به مدت 5 سال.

**ویکتور یسین، محقق برجسته انستیتوی آمریکا و کانادای آکادمی علوم روسیه، فرمانده ستاد کل نیروهای موشکی استراتژیک روسیه (1994 تا 1996)، سپهبد، عضو شورای کارشناسان مرکز PIR**

اهمیت استارت نو در این است که با توجه به واقعیات فعلی، وقتی روابط روسیه و آمریکا کاملاً خراب شده اند به لطف همین پیمان است که ثبات استراتژیک بین روسیه و ایالات متحده در سطح قابل قبولی حفظ می شود و مانع از غلطیدن آنها بسوی یک رویارویی هسته ای می شود. مهم این است که استارت نو نه تنها تواناییهای هسته ای استراتژیک روسیه و ایالات متحده را محدود می کند بلکه مهمتر از همه، شفافیت و قابلیت پیش بینی را هم در مورد وضعیت نیروهای هسته ای استراتژیک طرفین و هم اقدامات آنها تضمین می کند و بدین ترتیب مبهمترین وضعیتهایی را که می توانند پیامدهای مهلکی داشته باشند منتفی می نماید.

در مورد حفظ استارت نو از طریق تمدید اعتبار آن به مدت پنج سال، امیدهای من روشن نیست. برخلاف مسکو که آماده است فوراً استارت نو را بدون هیچ پیش شرطی تمدید کند در واشنگتن شرایط غیرواقعی را برای حفظ آن مطرح می کند: پیمان باید شامل کلیه سلاحهای استراتژیک جدید روسیه شود، آوردن سلاحهای هسته ای غیر استراتژیک روسی تحت شمول این پیمان، و شرکت چین در توافقات. حتی اگر واقعاً بخواهید این شرایط را اجرا کنید تا زمان انقضاء استارت نو انجام آنها غیرممکن است. بنابراین، اگر واشنگتن به واقعیت محض باز نگردد (که چندان نمی توان به این امر دلخوش بود) در 5 فوریه 2021 استارت نو محو خواهد شد.

**سارا بیدگود، مدیر "برنامه عدم اشاعه در اوراسیا" مرکز تحقیقات مشکلات عدم اشاعه جیمز مارتین**

استارت نو به عنوان آخرین پیمان کنونی کنترل تسلیحات روسیه و آمریکا، ثبات، شفافیت و قابلیت پیش بینی را در سطح لازم تامین می کند چیزی که در حوزههای دیگر بسیار مورد نیاز است. بنابراین تمدید پیمان استارت نو به مدت 5 سال همانطور که در پیمان پیش بینی شده است نباید سؤالی ایجاد کند. چنین تمدیدی به هیچ وجه مانع از مذاکره در مورد اقدامات بعدی کنترل تسلیحات در آینده نخواهد شد و استدلالاتی که در این راستا نباشند فقط باعث ایجاد یک دوگانگی کاذب بین حفظ وضع موجود و شناخت ارزش گامهای بلند پروازانه تر، می شود. در عوض، تمدید پیمان استارت نو زمان لازم را در اختیار واشنگتن و مسکو برای انعقاد پیمان بعدی قرار خواهد داد، پیمانی که قادر به پاسخگویی به آن دسته از تهدیدات ثبات استراتژیک است که طرفین آن را مهمتر می دانند.

یکی از دلایلی که اکنون باید استارت نو را تمدید کرد این است که چنین تصمیمی تأثیر مثبتی بر کنفرانس بازنگری NPT خواهد گذاشت. بخش خلع سلاح NPT احتمالاً موضوع اصلی کنفرانس بازنگری خواهد بود و هیئت های روسی و آمریکایی قادر خواهند بود از تمدید پیمان استارت نو به عنوان یک گام مشخص در اجرای ماده ششم ان پی تی، یاد کنند. اگر کنفرانس بازنگری طبق برنامه در ماه آوریل برگزار شده بود این فرصت الان از دست رفته بود. اما تعویق کنفرانس به روسیه و ایالات متحده به عنوان بزرگترین کشورهای هسته ای فرصتی دوباره داد تا اقتدار ان پی تی را در 50 سال دوم رژیم عدم اشاعه تقویت کنند.

**آندری مالوف، دانشیار گروه امنیت بین المللی و ملی آکادمی دیپلماتیک وزارت امور خارجه روسیه، عضو شورای کارشناسان مرکز PIR**

به نظر می رسد اهمیت استارت نو در سه سطح تجسم یافته است:

1. در زمینه کاهش و محدودیت عملی تسلیحات تهاجمی استراتژیک که گامی واقعی در جهت محدود کردن و کاهش سلاح های هسته ای، و به تبع آن، در انجام تعهدات مربوط به خلع سلاح هسته ای مطابق با ماده ششم ان پی تی، محسوب می شود.

نتیجه این شد که تا 5 فوریه 2018 طرفین به شرایطی رسیدند که زرادخانه تسلیحات استراتژیک روسیه و ایالات متحده در مقایسه با استارت 1991 و استارت 2002 به سطح پایین تری رسیده بود.

استارت نو (2010) طرفین را ملزم می کند که بیش از 700 حامل آماده عملیات (موشکهای قاره پیمای بالستیکی، موشکهای بالیستیک زیردریاییها و بمب افکنهای سنگین)، 1550 کلاهک مخصوص نصب بر روی آنها و 800 بمب افکن سنگین و لانچر آماده عملیات و غیر آماده برای پرتاب موشکهای قاره پیمای بالستیکی و موشکهای بالیستیک زیردریاییها در اختیار نداشته باشند. تا قبل از تاریخ راستی آزمایی، تمام تعهدات روسیه به طور کامل انجام شده بود. ایالات متحده هم اعلام کرد که به تعهدات خود عمل کرده است.

بنابراین سطح تقابل در این حوزه کاهش یافته است که این امر عینا در راستای حفظ سطح کافی از بازدارندگی متقابل، می باشد و به نوبه خود، ثبات استراتژیک را تقویت می کند.

بازدارندگی هسته ای به خودی خود نمی تواند عدم وقوع یک درگیری هسته ای کنترل نشده را بطور کامل تضمین کند. با این حال، فراهم آوردن بازدارندگی همراه با رعایت رژیم کنترل تسلیحات به طور عینی در تقویت ثبات استراتژیک موثر می باشد.

این امر به ویژه در شرایطی که ثبات استراتژیک دچار چالشهایی مداوم شده است بسیار مهم است: اجرای مداوم برنامه های ایجاد یک سیستم دفاع موشکی جهانی به نفع ایالات متحده، توسعه سلاح های دور برد بسیار دقیق با تجهیزات غیر هسته ای در چارچوب دکترین "ضربه جهانی"، تولید تسلیحات هسته ای که ویژگیهای سلاح های میدان جنگ را دارند، اقدامات عملی برای آماده شدن جهت قرار دادن سیستم های تسلیحاتی تهاجمی در فضا، تخریب ابزارهای چندجانبه خلع سلاح و عدم اشاعه و غیره.

در این زمینه مهم است که در متن اصلی سند استارت نو یک وابستگی متقابل هارمونیکی بین سلاح های تهاجمی استراتژیک و سلاحهای دفاعی استراتژیک برقرار نمود. البته چنین چیزی در مقدمه این سند انعکاس یافته است اما درج آن در بدنه متن اهمیت خود را دارد.

2. اقدامات کنترلی پیش بینی شده در استارت نو موجب می شوند که اقدامات شفافیت ساز و اعتمادساز در این حوزه حساس به نحو شایسته ای اجرا شوند و به نوبه خود باعث دستیابی به قابلیت پیش بینی استراتژیک در سطح شایسته ای، می شوند. اهمیت این قضیه هم از سوی کارشناسان روس و هم از سوی کارشناسان با نفوذ آمریکایی تأیید شده است.

3. استارت نو که در واقع آخرین سند در حوزه رژیم های کنترل تسلیحات می باشد یک کارکرد سیاسی و استراتژیک بسیار مهم برای بازداشتن جهان از یک فرآیند غیر قابل کنترل و بهمن آسا، یعنی از هم پاشیدن هنجارهای حقوقی بین المللی در حوزه کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم اشاعه، دارد. عواقب عدم تمدید آن تأثیر بسیار بی ثبات کننده ای بر کل سیستم توافق نامه ها حوزه کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم اشاعه خواهد داشت.

جمع بندی: از این نظر آمادگی که مقامات عالی روسیه برای تمدید پیمان استارت نو بدون هیچ پیش شرطی اعلام کرده اند از اهمیت بالایی برخوردار است.

**وادیم کوزولین، مدیر برنامه فن آوری های جدید و امنیت بین المللی، مرکز PIR**

می خواهم اشاره کنم که پیمان استارت نو علاوه بر راهکارهای مهم نظامی و فنی که در خود دارد خلاء خطرناکی را پر کرد که در حوزه کنترل تسلیحات با انقضای پیمان استارت 1 در 5 دسامبر 2009 ایجاد شده بود.

استارت نو منتقدان بسیاری در بین ناظران هر دو طرف داشته و هنوز هم دارد. این یک پیمان ایده آل نیست اما اجازه داده است که فضای سازنده ای در روابط بین الملل حفظ شود.

امروز اوضاع در حال تکرار شدن است و جهان دوباره در معرض خطر حذف سیستمهای کنترل تسلیحات قرار گرفته است. به نظر می رسد در شرایط امروزه این وضعیت می تواند خطرناک تر از سال 2010 باشد. من اگر به عقل سلیم سیاستمداران ایمان نداشته باشم حداقل به عمل گرایی آنها باور دارم. تمدید استارت نو هم برای روسیه و هم برای ایالات متحده سودمند است.

<https://www.pircenter.org/articles/2216-885200>

مترجم: محمد سیفی، تاریخ ترجمه: 5/4/99